

و آنها به این می گویند رهایی بخشی!

جان پیلگر * John Pilger

روزنامه سوئدی Aftonbladet - 2003-04-15

برگردان : علی فیاض afayyazb@hotmail.com

یک تهیه کننده تلویزیونی بی بی سی از طریق یک تلفن ماهواره بی ، با مادر خود در حال گفتگو بود که توسط یک هواپیمای نظامی آمریکایی زخمی شد . هواپیمایی که تحت عنوان «آتشباری دوستانه» باعث مرگ ۱۸ تن دیگر شده بود . او گوشی تلفن را بالای سر خود نگهداشته بود تا مادرش صدای غرش هواپیماهای آمریکایی را بشنود . او به مادرش می گفت «گوش کن ، این صدای آزادی است» .

آیا این جمله را در رمان ضد جنگی لحظه ۲۲ خوانده ام؟ آری ، گفته تهیه کننده بی بی سی به طرز جسورانه بی طنز آلود بود . من نسبت به آن تردید دارم ، همانطور که نسبت به تیتراژ فرمول بندی شده زیر که توسط جوزف هلر (Joseph Heller) یادآوری می شود ، تردید دارم ؛

«لحظه بی که عمر نوجوان به بهای جنگ پی برد .»

این کلمات مشترک با تصاویری هماهنگ شدند که که یک تفنگدار دریایی آمریکا را نشان می داد که پس از ملاقات با عمر ، دستش را به سوی عمر پانزده ساله دراز کرده است ؛ درست پس از زمانی که در کشتاری شرکت کرده بود که پدر ، مادر ، دو خواهر و برادر او را در تهاجمی که بدون هیچ تحریکی از سوی کشور او (عراق) ، و در ستیز با بنیادی ترین قوانین متمدنانه ، به قتل رسانده بودند .

بدون سنگ نوشته بی واقعی بر مزار آنان ؛ بدون عنوان صادقانه بی چون : «این تفنگدار آمریکایی خانواده این پسر را به قتل رسانده است .» بدون تصویری از پدر ، مادر ، خواهران و برادر غرقه به خون و بی جان او که بر اثر سلاح های خودکار به قتل رسیدند . ابعاد گوناگونی از این تصاویر تبلیغاتی در مطبوعات انگلیسی – آمریکایی ، پس از تهاجم به عراق درج شده است : تصاویر محبت آمیز سربازان آمریکایی که دستشان را دراز کرده اند ، و خم شده اند تا از قربانیان خود پرستاری کنند .

و اما تصاویر مربوط به کشتار روستای فورات که در آن هشتاد مرد ، زن و کودک توسط راکت ها به قتل رسیدند ، کجا دیده می شود؟ به جز در The Mirror در کجا می شد تصاویر کودکانی را مشاهده کرد که دست هایشان را بالا برده بودند ، در حالی که سربازان خشن بوش ، والدین آنها را مجبور کرده بودند که در خیابان به زانو در آیند؟ در این تصاویر فاشیسم چهره خود را نشان می دهد و ما حق داریم آنها را ببینیم .

و آنها به این می گویند «رهایی بخشی» .

این بسیار خوب است که صدام حسین هولناک از صحنه حذف شده است ، اما این امر این حقیقت را که تجاوزکاران مرتکب جرم بزرگی شده اند ، تغییر نمی دهد . در میان جمعیت های مردمی که به شادی می پردازند ، دست کم یک میلیون ارواح عراقی حضور دارند : عراقی هایی که بر اثر محاصره های اقتصادی انگلیسی - آمریکایی جان خود را از دست دادند ، و نیز هزاران نفری که بر اثر عملیات مهاجمین بی جان شدند . از آنان پرسید چه احساسی از این «رهایی بخشی» دارند؟ همانطور که دنیس هالیدی (Denis Halliday) درباره محاصره اقتصادی انگستان و آمریکا بر علیه عراق سخن گفت : بوش و بلر «در کتاب های تاریخ قصابی خواهند شد» .

هالیدی که معاون برنامه ریزی رئیس سازمان ملل در موضوع مربوط به غذا در عوض نفت در سال ۱۹۹۶ بود ، بلافاصله پس از اینکه متوجه این امر شد که سازمان ملل تبدیل به ابزاری برای «مرگ و میر کل یک جامعه» شده است ، به عنوان اعتراض ، از مقام خویش استعفا داد . همانگونه که جانشین او هانس وان اسپونک (Hans Von Sponeck) ، با بیان «مجازات بی ملاحظه و شرم آلود یک ملت» از آن یاد کرد .

من در بیشتر مطالبم از این دو نفر یاد کرده ام : از جمله به این دلیل که نام و دلایل ارائه شده از سوی آنان ، در بیشتر رسانه ها رتوش کاری و ناپدید می شود . این تهاجم ، که بر اساس حقوق بشر عملی جنایتکارانه محسوب می شود ، شبیه به یک برنامه ورزشی گزارش شده است . در یک ایمیلی که به بیرون درز کرد ، راجر موئی (Roger Mosey) ، رئیس کانال گزارش های جنگی Television News بی بی سی ، آن را «شگفت آور» نامید . «احساس می شود که شاهد جام جهانی فوتبال هستیم ، هنگامی که ناگهان از آتشباری در ام قصر نظاره گر آتشباری در یک منطقه جنگی دیگر می شویم» .

او از قتل سخن می گوید . این چیزی است که آمریکایی ها وقت خود را صرف آن می کنند . اما هیچ کدام از آن به درستی سخن نخواهند گفت ، حتی هنگامی که روزنامه نگاران را به قتل می رسانند . این تهاجم یک یکجانبه علیه یک ملت ضعیف و در مجموع بی دفاع ، از همان مواضع راسیستی و جنون آدم کشانه بی نشأت می گیرد که خود در ویتنام شاهد آن بودم . آنها در آنجا فعالیت ویژه بی برای آدم کشی به راه انداخته بودند که آن را عملیات فونیکس می نامیدند . این نوع عملیات شامل همه جنگ های خارجی آنها می شود : درست به همانگونه که جامعه پراکنده و قطعه قطعه شده خود آنها را نیز شامل می شود . نمونه هایی از آن را شما می توانید در همین تهاجمی که اکنون در جریان است ، انتخاب کنید . دو هفته قبل ، کاروانی از تانک های آمریکایی شجاع نمایانه وارد بغداد شده و سپس از آن خارج شدند . آنها انسان هایی را که در مسیر بودند به قتل رساندند . و سپس اجساد قطعه قطعه شده زنان و کودکان را پاکسازی کردند . به صدای آنان در فیلم های ویدئویی دستکاری و پخش نشده گوش فرا دهید : «ما با شلیک به آت و آشغال ها ، شهر را از آنان خالی کردیم» .

بیمارستان ها و سرد خانه ها مملو از قربانیان آنها می باشد . بیمارستان هایی که پیش از این ، از داشتن انواع داروها و دواهای مسکن که جزو کمک های انسانی محسوب می شدند و شورای امنیت سازمان ملل متحد آن را تأیید نموده ، و عراق نیز برای دریافت آنها ۵ میلیارد و چهار صد میلیون دلار پیشاپیش پرداخت کرده بود ، توسط بلوکه های عامدانه آمریکا ، محروم شده بودند . فریادهای کودکانی که اعضای بدنشان باید قطع شود آن هم با حداقل داروهای بی حس کننده ، را می توان «صدای آزادی» بی نامید که تهیه کننده بی بی سی از آن یاد کرده بود .

جوزف هللر می خواست صحنه های کوچکی از جنگ را ارزیابی کند . خلبان هلیکوپتر انگلیسی را در نظر بگیرید که هلیکوپتر او توسط یک آمریکایی دود شد و او خود در آستانه از بین رفتن بود . او فریاد زد : «نمی دانید که عراقی ها هیچ نیروی هوایی لعنتی در اختیار ندارند؟» آیا این خلبان نسبت به حقیقتی که بر زبان جاری ساخت ، واکنشی از خود نشان داد؟ این حقیقت که این تجاوز بزدلانه علیه یک کشور جهان سومی است و او خود نیز در این جرم سهیم و شریک است؟ من در این مورد تردید دارم .

انگلیسی ها در دروغ گفتن و فریفتن زرنگ ترین بوده اند . بر اساس هر نوع مقیاس قابل فکر ، مقاومت عراقی ها علیه پیشرفته ترین تکنولوژی ماشین جنگی انگلیسی – آمریکایی قهرمانانه بود . آنها با تانک ها و نارنجک اندازهای قدیمی ، با مسلسل های خود و تهاجمات غیر منتظره و نومیدانه خود ، موفق شدند آمریکایی ها را دچار هراس ساخته و کلاس ارتش انگلیسی ها را پایین بیاورند تا آنها نیز به ویژگی خود دست بیاورند ؛ مظلوم نمایی . عراقی هایی که می جنگند ، «تروریست» ، «گانگستر» ، «وفاداران حزب بعث» و «فدایی» هستند . آنها انسان های واقعی نیستند ؛ آنها ساخته و پرداخته شده هستند . روز قبل از آن که آمریکایی ها مرکز شهر بغداد را تصرف کنند ، ما تصاویر گذرا و سریعی از سربازان انگلیسی را از طریق اسکای نیوز شاهد بودیم که چگونه به خانه یک خانواده در بصره هجوم بردند و سلاح های خود را به سمت یک زن نشانه رفتند و چند مرد جوان را مورد آزار و اذیت جسمی قرار دادند و سپس سرشان را با کیسه هایی پوشانده و دست هایشان را دستبند زدند که یکی از آنها بر اثر وحشت به لرزه افتاده بود .

راجر موثای می گوید که درگیری های ام قصر همانند «جام جهانی فوتبال» است . ۴۰ ۰۰۰ نفر در ام قصر وجود دارند ؛ پناهجویان و آوارگان جنگ به شهر هجوم می آورند ، و بیمارستان ها پر شده است . تمامی این مشکلات نتیجه تهاجمات «ائتلاف» و تجاوزات انگلیسی ها است که سازمان ملل را مجبور کردند تا پرسنل کمک های انسانی را از منطقه فرا خواند . سازمان خدمات (کمک های) کاتولیکی Cafod که یک تیم کمکی را به ام قصر فرستاده است ، اظهار می دارد که استاندارد انسانی تقسیم آب در شرایط اضطراری بیست لیتر در روز برای هر فرد می باشد . Cafod از بیمارستان هایی گزارش می کند که به طور کلی فاقد آب می باشند ، و همچنین انسان هایی که از آب چاه های غیر بهداشتی می نوشند . طبق اظهارات سازمان بهداشت جهانی ، یک و نیم میلیون انسان عراقی در حوالی جنوب عراق از بی آبی رنج می برند و اپیدمی ها ، غیر قابل پیشگیری هستند . و این «پسران ما» چه کاری باید انجام بدهند تا این وضعیت را بازسازی کنند ، به جز صحنه سازی های کودکانه و نمایش های تئاتری اشغال کاخ ریاست جمهوری ، آن هم پس از اینکه موشک های قابل حمل خود را به سمت یک شهر غیر نظامی شلیک کرده و بمب های خوشه یی خود را رها کرده اند؟

یک فرمانده انگلیسی که همه چیز برایش مهیا و فراهم است ، اظهار می دارد «انتقال کمک به منطقه یی که هنوز هم منطقه فعال نظامی به حساب می آید ، مشکل است» . منطق نهفته در کلمات او ، به تمسخر خود وی می انجامد . اگر عراق یک منطقه نظامی نبود و اگر انگلیسی ها و آمریکایی ها حقوق مردم را دستخوش تجاوز قرار نمی دادند ، که دیگر مشکلی برای انتقال کمک به مردم وجود نمی داشت .

یک حالت تهوع آور بخصوصی در این تبلیغات وحشتناکی که توسط افسران تعلیم یافته تبلیغات چپ انگلیسی که هیچ چیزی از عراق و مردمش نمی دانند ، ارائه می شود ، وجود دارد . آنها از آن تحت عنوان رهایی از «بدترین نوع ستمگری در جهان» یاد می کنند که به دست آنها انجام شده است ؛ آن چنان که گویی هر چیزی ، حتی مردن توسط بمب های خوشه یی یا بیماری دیسنتری (dysentery**) ، «از زیستن در حکومت صدام حسین» بهتر است . حقیقت تلخ اما این است که طبق نظر یونیسف ، حزب بعث مدرن ترین بهداری را در خاورمیانه ایجاد کرده است .

هیچ کسی طبیعت ماهیت ستمگرانه و تمامیت خواه رژیم را انکار نمی کند ، اما صدام حسین به این امر نیز توجه نموده بود که درآمدهای نفتی را برای ایجاد یک جامعه مدرن و سکولار و نیز ایجاد یک طبقه متوسط گسترده سالم ، به کار بگیرد . عراق تنها کشور عرب بود که از ۹۰ درصد آب آشامیدنی سالم و تحصیلات رایگان برخوردار بود . همه اینها توسط بایکوت انگلیسی – آمریکایی در هم فرو ریخت . هنگامی که محاصره اقتصادی عراق در سال ۱۹۹۰ آغاز گردید ، اداره امور غیر نظامی عراق یک سیستم توزیع مواد غذایی را سازمان دهی کرد . عملی که توسط ارگان

کشاورزی سازمان ملل ، فائو (FAO)، از آن تحت عنوان : «یک قضاوت درباره مؤثر بودن ... بدون تردید این برنامه عراق را از قحطی نجات داده است» ، نام برد . این نیز همگام با تهاجم علیه عراق ، در هم شکسته شد .

چرا انگلیسی ها تا هنوز درباره چرایی به کارگیری جلیقه های مخصوصی که هنگام جمع آوری اجساد کشته ها و زخمی های خود که توسط «آشپاری های دوستانه» آمریکایی ها به عمل آمده است ، می پوشند ، توضیحی نداده اند؟ دلیل آن این است که آمریکایی ها از اورانیوم ضعیف شده به عنوان چاشنی در نارنجک ها و موشک های خود استفاده می کنند . هنگامی که من از جنوب عراق بازدید کردم ، پزشکان تخمین زده بودند که میزان ابتلا به سرطان در منطقه به دلیل استفاده آمریکایی ها و انگلیسی ها از اورانیوم ضعیف شده در جنگ ۱۹۹۱ ، هفت برابر شده است . محاصره اقتصادی عراق پس از آن جنگ ، باعث شد تا عراق بر خلاف کویت از داشتن تجهیزات ویژه پاکسازی میادین مین گذاری شده محروم شود . در بیمارستان های بصره بخش هایی وجود دارد که ویژه کودکانی است که بر اثر نوعی سرطان در آنجا بستری شده اند . این نوع سرطان تا قبل از سال ۱۹۹۱ مشاهده نشده است .

آنان هیچگونه مواد دارویی ضد درد ، به جز آسپرین در اختیار ندارند . به جز مواردی استثنایی و قابل تقدیر – روبرت فیسک (Robert Fisk) ، الجزیره – ، گزارش هایی بسیار ناچیز از این مسائل ارائه شده است . در عوض رسانه های گروهی نقش از پیش تعیین شده خود را به مثابه «قدرت ملایم» امپراتوری آمریکا ، بازی کرده اند : از این طریق که به ندرت جرایم «خودی» را آشکار سازند یا به غلط آن را مبارزه بین تفکر خیر ، و شر تجلی یافته در فرد ، جلوه دهند . این شکست حرفه یی و اخلاقی مصیبت بار ، خطر تکرار شدن این پیروزی دروغین حماسی را ، در ایران ، کره ، سوریه ، کوبا و چین افزایش می دهد .

جورج بوش گفته است : «با گفتن این که «من فقط از دستورات اطاعت کردم» ، نمی توان از خود دفاع کرد» . حق با اوست . قضات نورنبرگ در رابطه با حقوق سربازان معمولی که در یک جنگ غیرقانونی تهاجمی از وجدان خویش تبعیت می کنند ، بسیار قاطع و شفاف بودند . دو سرباز انگلیسی شجاعت به خرج دادند و از شرکت در جنگ خود داری کردند . آنها قرار است در دادگاه جنگی محاکمه شوند و مجازات زندان آنها را تهدید می کند . با این حال تقریباً هیچ اشاره یی به آنها در رسانه ها نشده است . جورج گالوای (George Galloway) ، نماینده مجلس انگلستان ، به خاطر این که همان موردی را طرح کرد که جورج بوش هم بیان کرده بود ، توسط رسانه ها به چهار میخ کشیده شد . «ائتلاف» نه تنها از دلایل نامشروع و مضحکی برای جنگ که تنها عده معدودی آن را جدی می گیرند ، استفاده کرده است ، بلکه دیدار از عراق را نیز با ایجاد وحشت و مرگ آغاز کرده است .

یک اکثریت رو به رشد حقوقی وابسته به افکار عمومی سراسر جهان ، در دادگاه نوین بین المللی جرایم ، وظایفی را فرا روی خود دارد . به نوشته اریک هرینگ (Eric Herring) ، در دانشگاه بریستول (Bristol) ، این وظایف تحقیقی است «نه تنها درباره رژیم ، بلکه در مورد بمب ها و بایکوت های سازمان ملل متحد نیز که به طور گسترده یی حقوق انسانی عراقی ها را پایمال کرد» . به این جنگ مجرمانه یی که هم اکنون در جریان است ، این را نیز بیفزایید که پیامدهای آن می تواند اتحاد ناسیونالیسم عربی با نیروهای شبه نظامی اسلامی باشد . بلر و بوش باد کاشته اند : آنها توفان درو خواهند کرد .

* جان پیلگر مستند ساز و روزنامه نگار حقیقت طلب و بشردوست ، متولد و تحصیل کرده استرالیا و ساکن لندن می باشد و تا کنون کتاب هایی نیز منتشر نموده است . کتاب هایی چون «نظم نامرئی روزانه» و «چیزی که نگذاشتند ما

بدانیم» ، از جمله آثار منتشر شده وی می باشند . علاوه بر این وی تا کنون صدها مقاله تحقیقی - تحلیلی در رابطه با سیاست های امپریالیستی و مناسبات بین المللی به رشته تحریر در آورده است . مقالات وی آمیخته یی از عواطف رقیق بشر دوستی متعهدانه ، اسناد افشاگرانه و تحلیل هایی منطقی - تاریخی می باشند .

**** بیماری التهاب روده بزرگ همراه با دفع مدفوع آبکی و خون آلود .**